



خلق جهانی بزرگ با چیزهای کوچک

مسترکلاس
ایرج طهماسب با
استقبال علاقه‌مندان
در سومین روز
جشنواره چهل و سوم
برگزار شد



A Grand World Made of Little Things

Iraj Tahmasb's Masterclass Draws
Enthusiastic Crowds on FIFF Day Three



08

خوشبختانه موسیقی هرز نمی‌شناسد

کریستف رضای آهنگ‌ساز با سابقه در گفت‌وگو با
«جهان‌نما» از تجربه داوری در «فجر جهانی» گفت



02

آماده میزبانی دائمی فجر جهانی

استاندار فارس در بازدید
از جشنواره چهل و سوم مطرح کرد



06

سینما، کیارستمی و اوج آرامش ذهنی با ملال

نوری بیلگه جیلان رئیس هیأت داوران
چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر چه
نگاهی به فیلمسازی، و معمای زندگی دارد؟



استقلالی که باید حفظ شود



آنتونیا شرکا

برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر پس از چند سال وقفه و آن هم در شهر شیراز که از مهم‌ترین مراکز فرهنگی ایران به شمار می‌آید، به نظر من انتخابی شایسته و رویدادی خوشایند است. اینکه در این دوره فیلم‌هایی متنوع از کشورهای مختلف حضور دارند و مهمانانی از کشورهای همسایه و دیگر نقاط جهان دعوت شده‌اند، به ارزش این رویداد افزوده است. شیراز، به دلیل جایگاه گردشگری و برخورداری از جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی فراوان، ارزش افزودهای برای این جشنواره مهم سینمایی ایجاد می‌کند. همان‌طور که در برخی خبرها نیز مطرح شده، استمرار برگزاری جشنواره در شیراز می‌تواند به روند تمرکززدایی از تهران کمک کند. با توجه به شرایط روزهای اخیر تهران، به‌ویژه از منظر آلودگی هوا، انتخاب شیراز به‌عنوان میزبان رویدادی بین‌المللی، که قرار است پذیرای مهمانانی از سراسر جهان باشد، تصمیمی منطقی و مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در سال‌هایی که جشنواره در تهران برگزار می‌شد، معمولاً فصل بهار را برای آن انتخاب می‌کردند؛ انتخابی قابل قبول و خوشایند. امروز نیز برگزاری جشنواره در شیراز در فصل پاییز، که همچنان پیش از سرمای زمستان است، انتخابی درست به نظر می‌رسد. شیراز در این فصل شرایط آب‌وهوایی بسیار مطلوبی دارد؛ نه گرمای تابستان را تجربه می‌کند و نه با دوره تعطیلات کریسمس و ژانویه هم‌زمان می‌شود، زمانی که به‌طور معمول فعالیت‌های فرهنگی با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، از نظر زمانی نیز انتخاب کاملاً مناسبی صورت گرفته است. امیدوارم استقلال جشنواره جهانی فیلم فجر از جشنواره ملی حفظ شود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه بازار فیلم نیز در چارچوب جشنواره جهانی برگزار می‌شود و می‌تواند فرصت مهمی برای معرفی گسترده‌تر سینمای ایران به شرکت‌های بخش بین‌المللی فراهم کند. این ظرفیت، امکان برقراری ارتباطاتی فراتر از یک جشنواره صرف را به وجود می‌آورد.

Maintaining the Independence of the FIFF

Film critic Antonia Shoraka highlighted that Shiraz, with its rich cultural and historical attractions, brings added value to the Fajr International Film Festival. Hosting the festival in Shiraz helps decentralize the event from Tehran, where it was traditionally held in spring. Autumn in Shiraz offers pleasant weather, avoiding summer heat and the December-January holiday slowdown. The timing also benefits the film market, providing a key opportunity to showcase Iranian cinema to international distributors. Shoraka stressed that preserving this independence is crucial for the festival's continued growth and global presence.



آماده میزبانی دائمی فجر جهانی

هم‌زمان با سومین روز از چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر، حسینعلی امیری استاندار فارس از محل برگزاری جشنواره واقع در پردیس سینمایی هنر شهر آفتاب شیراز بازدید کرد. امیری، در جریان بازدید از خانه جشنواره، با حضور در فضای باز جشنواره، با فیلمسازان و مهمانان بخش بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخت و نظر آن‌ها را در خصوص این جشنواره جویا شد. استاندار فارس که در میان خبرنگاران حاضر شده بود، گفت: امروز هیئت اجرایی جشنواره جلسه‌ای با ما داشتند. خوشبختانه تا به این لحظه کارها بسیار خوب پیش رفته است. در طی این مدت از طریق فضای مجازی و رسانه‌ها پیگیر اخبار جشنواره بودم و

خلق جهانی بزرگ با چیزهای کوچک

مسترکلاس ایرج طهماسب با استقبال علاقه‌مندان در سومین روز جشنواره چهل و سوم برگزار شد



ایرج طهماسب، کارگردان، بازیگر و فیلم‌نامه‌نویس صاحب‌نام سینمای ایران، در مستر کلاس بخش دارالفنون جشنواره جهانی فیلم فجر که هم‌زمان با سومین روز برگزاری این رویداد میزبان هنر جوان بود، تأکید کرد که جوهر هنر از دل ساده‌ترین مشاهده‌ها شکل می‌گیرد و هنرمند باید پیش از هر چیز «موضوع» را بیابد؛ همان نقطه کوچکی که می‌تواند به جهانی بزرگ در روایت تبدیل شود.

هنر: آغاز از ساده‌ترین عناصر

طهماسب در مستر کلاس تخصصی دارالفنون ابتدا به تفاوت مسیر علم و هنر اشاره کرد و گفت: در علم، یک مسئله اجتماعی یا زیست‌محیطی، یک چالش بزرگ انسانی، مطرح می‌شود و گروهی از محققان سال‌ها جست‌وجو می‌کنند تا پاسخی بیابند. آنها از یک کل بزرگ آغاز می‌کنند و به جزئیات می‌رسند؛ از بحران بیکاری می‌رسند به فرمول یک دارو یا راهکار دقیق. اما هنرمند درست در نقطه مقابل می‌ایستد. هنرمند از چیزهای کوچک آغاز می‌کند؛ یک دفترچه، یک تکه کاغذ، حتی یک نخ سیگار. ممکن است جرقه‌ای در ذهنش بزند. همان‌طور که شاید عباس کیارستمی فیلم «خانه دوست کجاست» را از دیدن یک دفتر مشق آغاز کرد. از چیزی کوچک، چیزی بسیار بزرگ و انسانی خلق می‌شود. این قدرت هنر است؛ رفتن از جزئیات به کلیت.

تفاوت مفهوم و موضوع در روایت

طهماسب در ادامه درباره تمایز «مفهوم» و «موضوع» سخن توضیح داد: هنرمندان باید قبل از مفهوم، به دنبال موضوع واضح، روشن و مشخص باشیم. در طول تاریخ، انسان‌ها برای گفت‌وگو و فهم جهان، نام‌گذاری را آغاز کردند. مفهوم‌ها کلی‌اند؛ وقتی می‌گوییم «درخت»، دقیقاً نمی‌دانیم کدام درخت. اما موضوع روشن است؛ وقتی در خانه دوست کجاست دنبال دفتر مشق محمدرضا نعمت‌زاده هستیم، فقط همان دفتر مهم است. هنرمند باید موضوع روشن را انتخاب کند؛ موضوعی که نور بر آن افتاده باشد. او ادامه داد: در روایت فیلم، ما تقریباً همیشه دنبال یک نفر هستیم؛ فارست گامپ، لینکلن، یا هر شخصیت دیگری. در زندگی هم چنین است؛ هر موضوعی شما را به یک جهان و یک قاعده می‌برد. سینما امروز بیش از گذشته قانونمند است و یکی از مهم‌ترین قوانینش تضاد است. تضاد موتور قصه‌گویی است. برای نشان دادن عشق، باید تنهایی را نشان دهید؛ برای ساختن داستان، باید انگیزه و مانع خلق کنید. جذابیت روایت زمانی شکل می‌گیرد که شخصیت از سختی به آسانی حرکت کند. در نهایت، سینما چیزی نیست جز بازنمایی همین مسیر انسانی؛ از دست دادن، به دست آوردن، امید، ناامیدی و دوباره برخاستن. این وظیفه ماست که از دل یک موضوع کوچک، جهانی بزرگ بسازیم.

نمایش واقعیت یا ساخت خیال؟

این کارگردان سینما گفت: به طور کلی دو نوع سینما داریم؛ یکی سینمای واقع‌گرا که به حقیقت اجتماعی و فردی نزدیک می‌شود؛ مثل

دارالفنون؛ سکوی پرتاب فیلم‌سازان جوان

بخش دارالفنون چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر این روزها در شیراز به‌عنوان مهم‌ترین رویداد آموزشی جشنواره، زیر نظر ایرج طهماسب برگزار می‌شود. دارالفنون که نخستین بار در سی و چهارمین دوره با مدیریت مازیار میری شکل گرفت، امسال با تمرکز بر «سینمای شاعرانه» میزبان ۳۰ هنر جوی خارجی و ۲۰ هنر جوی ایرانی است. دارالفنون در این دوره از ۱۱ تا ۱۶ آذر ۱۴۰۴ (۲۷ نوامبر تا ۲ دسامبر ۲۰۲۵) برگزار می‌شود و روزانه دو کارگاه تخصصی با حضور منتورهایی از کشورهای مختلف؛ جز بهمن ارک که از ایران حضور دارد؛ اجرا می‌شود. همچنین هر روز یک مستر کلاس تخصصی با حضور اساتیدی از روسیه، قزاقستان، ایتالیا، آندونزی، آرمستان، مونتنگرو و صربستان ارائه می‌شود. علاوه بر این، هر شب ساعت ۲۲ نشست آزاد هنر جوان با یک چهره سینمایی در سالن کنفرانس محل اقامت برگزار می‌شود. اگرچه قرار نبوده که ایرج طهماسب کارگاه رسمی داشته باشد و تدریس کند، اما با حضور مستمر در جلسات، کیفیت علمی و اجرایی کلاس‌ها را زیر نظر دارد. همچنین روز گذشته شخصاً هدایت این جلسه را برعهده گرفت و کلاسی را برگزار کرد.

حضور چشمگیر در یک بازار



فاطمه جواهرساز

مشابه هر رویداد فرهنگی و هنری دیگری، چهل و سومین دوره از جشنواره جهانی فجر هم دارای نقاط تمایزی است که باید به آن‌ها توجه داشت. در همین راستا نکاتی را درباره ویژگی‌ها و دستاوردهای بخش بازار فیلم در بیست‌وششمین دوره برگزاری این بخش از جشنواره که هم‌زمان با چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار می‌شود، بیان می‌کنم. امسال باوجود شرایط خاص و عبور از دوران ۱۲ روزه جنگ روانی و القای ناامنی که علیه ایران جریان داشت، خوشبختانه شاهد حضور چشمگیر و استقبال قابل توجه شرکت‌کنندگان خارجی بوده‌ایم.

بخش بازار این دوره با مشارکت نمایندگانی از ۱۷ کشور برگزار می‌شود و ترکیب متنوع مهمانان، نشان‌دهنده اعتماد و توجه روزافزون کشورهای مختلف به ظرفیت‌های حرفه‌ای سینمای ایران است. یکی از ویژگی‌های برجسته این دوره، حضور گسترده پلتفرم‌های OTT از کشورهای مختلف از جمله پاکستان، بنگلادش، مغولستان و تاجیکستان است که برخی از آن‌ها برای نخستین بار در این رویداد شرکت می‌کنند.

نمایندگان این پلتفرم‌ها در بازار حضور فعال دارند و زمینه‌های همکاری‌های بین‌المللی را ارزیابی می‌کنند. در حوزه پلویون‌ها نیز امسال شاهد حضور پلویون‌های ترکیه، روسیه، لبنان، پاکستان و تاجیکستان هستیم. کشور تاجیکستان علاوه بر پلویون رسمی، با یک پلتفرم OTT نیز در بازار مشارکت دارد. همچنین برای نخستین بار شبکه تلویزیونی از اتوبویی و شبکه الجزیره در بازار فیلم جشنواره جهانی فجر حضور یافته‌اند که این امر تنوع و گستره جغرافیایی بازار را گسترش می‌دهد.

از دیگر بخش‌های مهم بازار امسال، برگزاری ورکشاپ‌های تخصصی است.

در بخش مارکت، یک کارگاه ویژه طراحی شده و افزون بر آن، یک ورکشاپ حرفه‌ای توسط یکی از متخصصان کره جنوبی در یکی از دانشگاه‌های تهران برگزار می‌شود. موضوع این کارگاه، فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی است که در پاسخ به تحولات جدید صنعت سینما برنامه‌ریزی شده است. در کنار این موارد، حضور یکی از فیلم‌نامه‌نویسان برجسته الجزایری مقیم انگلستان نیز از نکات قابل توجه این دوره به شمار می‌رود.

ترکیب مهمانان شامل فیلم‌نامه‌نویسان، تهیه‌کنندگان، کارگردانان، خریداران و غرفه‌داران نشان‌دهنده گستردگی طیف فعالان شرکت‌کننده است. باوجود همه چالش‌ها، خوشحالم که امسال نیز بخش بازار جشنواره جهانی فیلم فجر توانسته است با کیفیتی مطلوب و مشارکتی قابل‌تکابر برگزار شود. امیدوارم این حضور گسترده، زمینه‌ساز همکاری‌های تازه و تعاملات مؤثر میان سینماگران ایران و جهان باشد.



A Window to Harsh Realities
Zhang Zhong, director of the Chinese - Iranian co-production “Chang’an, Xi’an,” written by Narges Abyar, described his film as “a window that familiarizes the audience with reality.” He explained that the story follows a woman whose character reflects the struggles faced by women. While revisiting her old memories, the audience gradually realizes her mental illness, revealing a deeply personal and human perspective.

همکاری با ترگس آبیار از چین

ژانگ ژونگ کارگردان «چانگ آن، شی آن» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست رسانه‌ای فیلم «چانگ آن، شی آن» به کارگردانی ژانگ ژونگ کارگردان چینی فیلم در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این کارگردان گفت:

«من اهل شهر یکن هستم و به‌عنوان فیلمساز و استاد دانشگاه فعالیت می‌کنم. این فیلم نخستین اثری است که با همکاری کشور ایران تولید کرده‌ام. شهر چین در کشور چین با جاده ابریشم در ارتباط بوده است و به همین دلیل نام آن در عنوان فیلم مورد استفاده قرار گرفته است. این فیلم اولین همکاری میان ایران و چین در زمینه سینما و فیلمسازی است. از آنجایی که این کشور در زمینه‌هایی مختلف همکاری و روابط نزدیکی دارند، عنوان آن به صورتی انتخاب شده است که ارتباط میان ایران و چین را بیان کند.

ایران و چین دارای تمدن‌های باستانی هستند که از زمان‌های بسیار دور با یکدیگر ارتباط داشته‌اند و خوشبختانه روابط نزدیک میان آن‌ها همچنان حفظ شده است. در این فیلم عواملی نظیر فیلم‌بردار، فیلمنامه‌نویس و صدایر ایرانی بودند. ضمن اینکه ترگس آبیار فیلمنامه این فیلم را به نگارش درآورده است. در ابتدا با اواز طریق اینترنت ارتباط گرفتیم و سپس خانم آبیار به چین آمد و مذاکرات نهایی ادامه پیدا کرد. او فیلمنامه را به زبان ایرانی نوشت و سپس به زبان چینی ترجمه شد.

این فیلم دارای سه خط داستانی است و اولین آن در بستر یک رابطه عاشقانه شکل گرفته است. این فیلم همچون پنجره‌ای است که مخاطب را با واقعیت‌ها آشنا می‌کند. شخصیت این فیلم خانمی است که آبیار در پردازش پرسوناژ او مشکلات زنان در حوزه احساسی و اجتماعی را مدنظر قرار داده است. در این فیلم شخصیت اصلی خاطرات قدیمی خود را مرور می‌کند، در حالی که در آخر متوجه بیماری ذهنی او و شمایل رؤیاگونه افکارش می‌شویم.

اگر بخواهیم از منظر فرهنگی به این فیلم نگاه کنیم، به هر دو کشور ایران و چین در بطن روایت پرداخته شده است. چینی‌ها دارای نمایشی به نام «پرای پکن» است که دارای گریم و موسیقی خاصی است و شمایلی شبیه به نقالی دارد. من به دلیل این فرهنگ باستانی تلاش کردم در فیلم اشاره‌ای به آن داشته باشم.

Turtles That Became Saviors

Cenk İzgören, director of the Turkish film “Beyond the Rails,” shared that the main character, a woman facing cancer, contemplates suicide on a railway track. However, encountering turtles trapped on the tracks sparks a transformation within her, illustrating how small, unexpected events can profoundly alter one's perspective on life and survival.



بل فرهنگی میان ایران و ترکیه

جنگ ایزگورن کارگردان «آن سوی خط آهن» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست رسانه‌ای فیلم «آن سوی خط آهن» محصول کشور ترکیه با حضور جنگ ایزگورن، کارگردان اثر در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این کارگردان گفت:

«کاراکتر اول و اصلی فیلم «آن سوی خط آهن» یک شخصیت خاتم است که درگیر بیماری سرطان شده و ناگهان خود را میان مرگ و زندگی می‌بیند. به همین دلیل تصمیم به خودکشی در مسیر راه‌آهن می‌گیرد. او در این حین، با لاک‌پشت‌هایی مواجه می‌شود که در خط آهن گرفتار شده و امکان خروج از این مکان را ندارند و همین مسئله در او نوعی دگرگونی ایجاد می‌کند.

از جشنواره جهانی فیلم فجر برای پذیرفتن این اثر تشکر می‌کنم. همچنین به شهدای ایرانی در جنگ تحمیلی میان ایران و رژیم صهیونی ادای دین می‌کنم. می‌دانم که در این نبرد تحمیلی بیش از هزار شهروند ایرانی به شهادت رسیده‌اند. همچنین مایل هستم تا برای مردم غزه نیز آرزوی صلح و آرامش داشته باشم.

در میان تمام کشورهای جهان، ایران و ترکیه از دیرباز روابط نزدیکی با یکدیگر دارند و روی نقشه نیز تنها به واسطه یک خط از یکدیگر جدا شده‌اند. در واقع این دو کشور دارای چهره شهری و دین مشترک و شبیه به یکدیگر هستند. مردم ایران و ترکیه زیر یک آسمان و اشتراکات فرهنگی مشترک به زیست خود ادامه می‌دهند. ضمن اینکه فرهنگ موسیقی در ایران و ترکیه بسیار شبیه به یکدیگر است.

امروز امپریالیسم بر سراسر جهان حاکم شده است و این موضوع در حال اثرگذاری بر فرهنگ دیرینه دو کشور است. در دنیا باید دارای تیپ فرهنگی و فکری مشخصی باشیم، اما جهان غرب زیست فرهنگ ما را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. دقیقاً در همین نقطه است که سینمای ترکیه و ایران باید به‌وسیله یک پل، فرهنگ مشترک خود را به یکدیگر متصل کنند. دنیای اسبیر در امپریالیسم، در حال نابودی فرهنگ ایران و ترکیه است و باید با تکیه بر اشتراکات فرهنگی، نمودی قدرتمند پیدا کنیم.



Youth and the Loneliness of the Elderly
Divyanshu Rathour, production executive of the Indian film “Pyre,” explained that the film portrays an elderly couple living in a rural village in India. It highlights how young people leaving in search of employment contributes to the isolation of older generations. Directed by Vinod Kapri, a prominent filmmaker in India, the film reflects on social change and its emotional impact on the elderly.

خلاف جریت جریان بالیوود

دیویانشو راتور تهیه‌کننده «تل هیزم» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست رسانه‌ای فیلم «تل هیزم» به کارگردانی وینود کاپری، محصول کشور هند، با حضور دیویانشو راتور، تهیه‌کننده اثر، در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این تهیه‌کننده گفت:

موضوع این اثر درباره زوج مسنی است که در روستایی در کشور هند زندگی می‌کنند. در واقع این فیلم به جوان‌هایی اشاره دارد که برای پیدا کردن شغل، روستاها را ترک کرده و باعث تنها ماندن افراد مسن می‌شوند. کارگردان این اثر در کشور هند بسیار شناخته‌شده است و فیلم‌های مهمی را کارگردانی کرده است. او در سال ۲۰۱۸ به همراه همسر خود در جشنواره فجر حضور داشته است.

این موضوع در سراسر جهان یک معضل بسیار مهم و اساسی است که متأسفانه هر لحظه بیشتر در حال گسترش است. این فیلم در جشنواره‌های زیادی به نمایش درآمده و نبرد تحمیلی بیش از هزار شهروند ایرانی به شهادت رسیده است. در تمام دنیا زندگی در روستاها با دشواری همراه است و از این نظر، افرادی در سراسر دنیا با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

کارگردان این فیلم دارای سبک مختص به خود است که با سبک بالیوودی که در همه جای دنیا شناخته شده، بسیار متفاوت است. وینود کاپری این فیلم را در روستای مادری خود ساخته و برای واقع‌گرایانه‌تر شدن فضای فیلم از نابازیگرانی استفاده کرده که در همان روستا سکونت داشته‌اند.

چند سال پیش در سال ۲۰۱۹، وینود کاپری در شمال هند و مناطق کوهستانی نزدیک به هیمالیا در حال خدم زدن بوده که با زوج پیری مواجه می‌شود که از سختی‌های زندگی می‌گویند. این موضوع ذهن فیلمساز را به خود مشغول می‌کند. در سینمای هند، فیلم‌های مربوط به جریان بالیوودی به چنین مسائلی توجه نشان نمی‌دهند.

رئالیسم اجتماعی جاری در فیلم‌های سینمای ایران برای من همواره شگفت‌انگیز بوده است. سبک فیلمسازی در ایران به‌طور کلی مورد علاقه من است و به عقیده من، سبک فیلم‌ها، روایت و شخصیت‌پردازی در آثار ایرانی بسیار واقع‌گرایانه است.

A Mother’s Severe Depression and Suicide

Indu Lakshmi, director of the Indian film “The Other Side,” discussed a storyline where a teenage girl loses her mother to severe depression and suicide. The film explores societal patterns affecting women and illustrates the cultural barriers that prevent the young girl from attending her mother’s funeral due to menstrual taboos and associated superstitions.



تحت‌تأثیر فیلم‌های ایرانی هستم

ایندو لاکشمی کارگردان «سوی دیگر» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست رسانه‌ای فیلم «سوی دیگر» محصول کشور هند با حضور ایندو لاکشمی، کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این هنرمند هندی گفت:

من از شهر کرالا در جنوب کشور هند به ایران و جشنواره جهانی فیلم فجر آمده‌ام. «سوی دیگر» دومین فیلم من به عنوان کارگردان است. این اثر تاکنون در جشنواره‌های مختلفی در سراسر دنیا، از جمله استرالیا و آمریکا حضور داشته است و جوایز مختلفی را کسب کرده است. ضمن اینکه «نیلا» فیلم نخست من بود که با سرمایه‌گذاری دولت هند به سرانجام رسید.

عنوان «سوی دیگر» دارای دو کاربرد است. بخشی از آن مربوط به مرگ و زندگی بوده و بخش دیگر به سوی ناشناخته انسان‌ها اشاره می‌کند. قصه این فیلم بر اساس داستانی واقعی و برگرفته از زندگی شخصی من است و در واقع، این شخصیت را بر اساس سرگذشت خود به نگارش درآورده‌ام. قسمتی از اتفاق‌های موجود در این فیلم، در جوامع مختلف به چشم می‌خورد و در واقع مربوط به بعدی از زنانگی است. در فیلم دختر کوچک به دلیل عادت‌ماهانه و خرافات برآمده از این موضوع، نمی‌تواند در مراسم خاک‌سپاری مادرش حاضر شود. متأسفانه موضوع‌های این چنین در بسیاری از جوامع بشری به چشم می‌خورد.

ساختار این اثر به گونه‌ای بود که از کودکی تا به حال، خود آن را تجربه کرده بودم. فیلم دارای دو شکل از لوکیشن روستایی و شهری است و در فضا سازی آن به سلیقه شخصی خود وفادار بودم. برای من بسیار دشوار است که بخواهم سخت‌ترین بخش فیلم را انتخاب کنم. چرا که هر سکانس این فیلم با دشواری‌هایی احساسی و روحی همراه بوده است.

اولین بار است که به ایران سفر کرده‌ام. اما زمانی که صحبت از فستیوال‌های مطرح جهانی می‌شود، سینمای ایران یکی از پایه‌های همیشگی در این جشنواره‌ها به شمار می‌رود. من تاکنون فیلم‌های ایرانی بسیار را به تماشا نشسته‌ام و بسیار تحت‌تأثیر این آثار قرار گرفته‌ام.



The Forgetting of Sacred Identities
Vassilis Mazomenos, director of the Greek production “Endless Land,” shared that his inspiration came from travels through rural northern Greece. The film centers on the loss of roots, identity, and collective memory, aiming to recover these sacred elements that are fading in an increasingly materialistic society.

فرااموشی هویت‌های مقدس

واسیلیس مازومنوس کارگردان «سرزمین بی‌پایان» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست خبری فیلم سینمایی «سرزمین بی‌پایان» به کارگردانی واسیلیس مازومنوس در چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این کارگردان گفت:

آنچه که برای من در ساخت این فیلم الهام‌بخش بود سفرهایم به مناطق روستایی شمال کشور یونان بود. موضوع اصلی فیلم از دست دادن و گم کردن ریشه‌ها، هویت و یادهای گذشته است و تلاش من بازگشت و یافتن این هویت‌های مقدس است که متأسفانه با مادی‌گرایانه شدن جامعه در حال فراموشی است.

متأسفانه به نظر من این یک اتفاق جهانی است که در حال رخ دادن است. دور شدن از خانه و زادگاه گذشتگان ما در حال از بین رفتن است و همه به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند البته بخشی از این موضوع برای بقاست در این فیلم هم یک شخصیت برای زندگی بهتر به خارج می‌رود و در فیلم می‌میرد.

محل روایت داستان این فیلم زادگاه من نیست؛ اما جایی است که من از بچگی می‌رفتم و دوستش داشتم؛ چون طبیعت زیبایی دارد و مردمی که مثل همان مناظر زیبا هستند. در مناظر، طبیعت و مردم آنجا هم‌زمان یک خوی وحشی وجود دارد و یک روحیه لطیف و حساس. ترکیب این دو برای من جالب بود و لوکیشن این روستا را به همین دلیل انتخاب کردم. این روستا یک اصالت زیبا از گذشته را در خودش دارد.

این فیلم کاملاً یک فیلم شاعرانه است نه بر اساس محتوا و فرم کلاسیک بلکه یک فرم شاعرانه جدید دارد که مختص خودم است. سعی نکردم داستان را بر اساس کلیشه‌های آنگلو ساکسونی پیش ببرم. من از هر دو وجه تاریخی فرهنگی تمدنی یونان در ساخت فیلم الهام گرفته‌ام خیلی به جدایی مردم اعتقاد ندارم هم از موسیقی هم شعر و هم روایت مردم عادی در این اثر استفاده کردم به این جدایی‌ها اعتقاد ندارم و فکر می‌کنم مردم این جدایی‌ها را اشتباهی به وجود می‌آورند. آدم‌های مختلف ترکیب شدنی نیستند و می‌توانند با هم کنار بیایند.

Returning to Iran After Years
Ronak Taher, director of the Iran - Canada - Australia co-production “Two Faces of Autumn,” reflected on returning to Iran after many years to make this film. The story follows twin sisters with contrasting personalities. Taher emphasized the extensive research and preparation undertaken to connect with the actors and fully address the challenges of absence before making the film.



رؤیایم فیلمسازی در ایران بود

روناک طاهر کارگردان «دو روی پاییز» در نشست خبری فیلمش چه گفت؟

نشست خبری فیلم سینمایی «دو روی پاییز» به کارگردانی روناک طاهر در چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد و این کارگردان گفت:

من از نقاشی و ویژوال آرت و تصویرسازی شروع کردم یک جاهایی حس کردم این تصویرها باید حرکت کنند پس به‌صورت اتفاقی سمت پویانمایی رفتم. البته خوش شانس بودم و همان پویانمایی اولم به جشنواره برلین رفت. در ادامه در استرالیا مدرک کارگردانی تلویزیون گرفتم.

من فیلم‌های کوتاه زیادی در بیرون از ایران ساختم فیلمسازی یک کار گروهی است که باید بتوانید با اعضا هماهنگ شوید و همه را حمایت کنید. من مطمئن نبودم این توانایی را داشتمه باشم پس در ایران یک فیلم کوتاه ساختم تهیه‌کننده کار از من پشتیبانی کردند و نتیجه کار یک فیلم دلنشین شد. فضای کار کردن در ایران با تجارت من فرق دارد. من البته همیشه رؤیای کار کردن در ایران را داشتم.

از ۲۰ سالگی به استرالیا رفتم و بعد از ۲۰ سال به ایران آمدم و فیلم ساختم. باید بگویم در دانشگاه ملبورن درس خواندم. یک بار استخدامم گفت پذیرای نظرات همکاریات باش. گفت حواست باشد خودت را روی فرهنگ‌های دیگر نبندی تو مثل خانه‌ای هستی که می‌توانی اتاق‌های جدید از فرهنگ‌های دیگر به خودت اضافه کنی. پس من هم اتاق جدید از فرهنگ ایرانی به کارم اضافه کردم.

فیلم من درباره دو خواهر دوقلو است که از نظر رفتاری با هم تفاوت دارند. من قبل از اینکه به ایران بیایم سعی کردم تمام چالش‌های نبودنم را بر کنم. من خیلی تحقیق می‌کردم تا به بازیگرانم برسم خیلی فیلم‌های ایرانی را دیدم و می‌دانستم کدام بازیگران را می‌خواهم. لحظات احساسی فیلم من زیاد است. صداگذار من آقای مختاری در کار صدابرداری خیلی قدرتمند هستند اما سر صدابرداری یکی از سکانس‌ها که پدر و مادر می‌روند تا جنازه را ببینند آقایی مختاری به‌عنوان صدابردار گریه کردند که خیلی سخت بود.



سینما، کیارستمی و اوج آرامش ذهنی با ملال

نوری بیلگه جیلان رئیس هیأت داوران چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر چه نگاهی به فیلمسازی، سینمای ایران و معمای زندگی دارد؟



برای نوری بیلگه جیلان، عباس کیارستمی فقط یک فیلمساز الهام‌بخش نیست؛ او پنجره‌ای است که نگاه جیلان به سینما را دگرگون کرده است. جیلان می‌گوید با دیدن فیلم‌های کیارستمی احساس می‌کرد گویی کشور خودش را می‌بیند؛ زیرا ایران و ترکیه، چه در چهره مردم و چه در چشم‌اندازها، به هم نزدیک‌اند. او کیارستمی را از معدود فیلمسازانی می‌داند که با مهربانی و شفقتی کم‌نظیر از زندگی آدم‌های ساده سینما ساخته و زبان تازه‌ای به جهان فیلم افزوده است؛ زبانی که مسیر جیلان را نیز تعریف کرده و به یکی از بنیادهای زیبایی‌شناسی او بدل شده است. بیلگه جیلان دوست دارد کارها را با حوصله انجام دهد. این کارگردان یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازان در حوزه «سینمای آهسته» است. این رویکرد فیلم‌سازی – که آندری تارکوفسکی کارگردان بزرگ روسی آن را پایه‌گذاری کرد و سپس فیلمسازانی چون تئو آنجلوپولوس، آلبرت سِرا، بلا تار، کلی ریکارد و لاو دیاز آن را ادامه دادند – به‌جای تدوین تند و داستان‌های پر تعلیق و بی‌وقفه هالیوودی شیوه‌ای تأمل‌برانگیز تر و متافیزیک‌تری را برمی‌گزیند. زیبایی‌شناسی بصری جیلان – عمدتاً نماهای باز، برداشت‌های طولانی و حرکت حداقلی دوربین – که بسیار تحت تأثیر یاسو جیروازو استاد بزرگ سینمای ژاپن – بیننده را وادار می‌کند سرعتش را کم کند و روی حرکت‌های ظریف و جملات کوتاهی که جزئیات شخصیت و مکان را آشکار می‌کنند، تمرکز کند. فیلم‌های او دنبال داستان‌های بزرگ، اوج‌گیری نمایشی نیستند بلکه در پی پرسش‌های بزرگ کار می‌کنند؛ جایی که تماشاگر از فکر کردن به اینکه داستان به کجا می‌رود دست می‌کشد و به این فکر می‌افتد که جهان واقعاً چیست؟ جیلان به هالیوود ریبورتر گفته بود: «همیشه احساس می‌کنم فاصله عظیمی میان زندگی واقعی و واقعیتی که در سینما می‌بینیم وجود دارد. سینمای من می‌خواهد نوعی سفر باشد که تلاش می‌کند این تفاوت‌ها را بررسی کند.» آنچه می‌خوانید چکیده‌ای از دیدگاه‌های این فیلمساز معتبر بین‌المللی است که حالا ردای داوری را در چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر به تن کرده است.

❖ شما یکی از پیش‌گامان فیلمسازی در حوزه «سینمای آهسته» هستید. چه چیزی شما را به این سبک از فیلمسازی جذب کرده است؟

من دوست دارم کارها را با حوصله انجام دهم. شخصیت‌ها در فیلم‌هایم زیاد کاری انجام نمی‌دهند، داستان‌ها ساده‌اند و تمرکز روی جزئیات زندگی و پرسش‌های بزرگ است؛ مثل معنای زندگی و ماهیت وجود. زیبایی‌شناسی من، نماهای باز و برداشت‌های طولانی است، حرکات دوربین حداقلی و تأکید روی جزئیات ظریف شخصیت‌ها و مکان‌ها. این سبک به تماشاگر فرصت می‌دهد از فکر کردن به اینکه داستان به کجا می‌رود دست بکشد و درباره جهان واقعی بیندیشد.

❖ وقتی رزومه تخصصی و تحصیلات شما را مرور می‌کنیم با این پرسش مواجه می‌شویم که چه چیزی باعث شد مسیر شما از مهندسی به سینما تغییر کند؟

وقتی از رشته مهندسی فارغ‌التحصیل شدم، فهمیدم برای این کار ساخته نشده‌ام. سفر در غرب و شرق جهان و مطالعه ادبیات روس، به‌ویژه داستایوفسکی و چخوف، مسیرم را شکل داد. ادبیات را با تصویر هنری درهم آمیختم. وقتی ۱۹ ساله بودم و «جنایت و

درد» با فیلم‌های کیارستمی واقعاً احساس می‌کردم انگار دارم کشور خودم را می‌بینم. ایران و ترکیه از نظر ظاهر، دست‌کم از نظر مردم و روستاها و طبیعت، بسیار شبیه‌اند. کیارستمی یکی از فیلمسازان مورد علاقه من است. فکر می‌کنم او چیزهای تازه زیادی به سینما بخشید و نسبت به شخصیت‌هایش حس شفقت و همدلی عمیقی دارد. او درباره روشنفکرها یا آدم‌های پیچیده فیلم نمی‌ساخت، بلکه درباره آدم‌های ساده، آدم‌های معمولی فیلم می‌ساخت و آن‌ها را دوست داشت. او واقعاً استثنایی بود.

❖ در فیلم‌های اخیرتان، مثل «خواب زمستانی» و «روی علف‌های خشک»، گفتگوها طولانی و فلسفی شده‌اند. چرا؟

برای من دیالوگ زمانی جواب می‌دهد که آدم‌ها حرف بی‌ربط بزنند، چیزی که به فیلم مربوط نباشد. من سعی می‌کنم معنی فیلم را بدون دیالوگ منتقل کنم؛ با موقعیت‌ها، حرکات و چیزهای دیگر. در نهایت هنگام فیلم‌برداری، دیالوگ‌ها را حذف می‌کنم و در پایان، اغلب هیچ دیالوگی باقی نمی‌ماند.

❖ به نظر می‌رسد دوست دارید با کمترین تعداد کلمات داستان را روایت کنید، با بخش‌های طولانی بدون دیالوگ، طوری که ما فقط کم‌کم چیزها را کشف می‌کنیم. آیا از استفاده از کلمات بدتان می‌آید؟

بله، چون در زندگی هم همین‌طور است؛ من دوست ندارم، نه، من به کلمات باور ندارم. اصولاً مردم دروغ می‌گویند، حقیقت را نمی‌گویند. حقیقت در آن چیزهایی است که پنهان است، در آنچه گفته نمی‌شود. واقعیت در بخش ناگفته زندگی ماست. اگر سعی کنید درباره مشکلاتتان حرف بزنید، چندان قانع‌کننده نیست. مردم سعی می‌کنند از خودشان محافظت کنند؛ هر کسی چیزی دارد که می‌خواهد پنهانش کند. آن‌ها تلاش می‌کنند ضعف‌هایشان را مخفی کنند. وقتی برایتان داستانی تعریف می‌کنند، خودشان را قهرمان آن داستان جلوه می‌دهند. پس بی‌کلام بودن بهتر است، و این به تماشاگر امکان می‌دهد فعال تر باشد؛ او باید از تجربه خودش استفاده کند تا سعی کند حل کند...

❖ چرا از «ملال» به عنوان ابزار هنری استفاده می‌کنید و تأثیر آن بر تجربه مخاطب چیست؟

فیلم‌هایی که ابتدا مرا خسته می‌کردند، بعدها مهم‌ترین فیلم‌های زندگی‌ام شدند. بزرگ‌ترین تصمیم‌های زندگی معمولاً پس از بزرگ‌ترین ملال‌ها گرفته می‌شوند. ملال انسان را در وضعیت ذهنی مناسب برای درک سخت‌ترین حقایق قرار می‌دهد. همان‌طور که والتر بنیامین گفته: «اگر خواب اوج آرامش جسمی باشد، ملال اوج آرامش ذهنی است.» ملال، پرنده خیال است که تجربه و فهم تازه می‌آورد.

❖ چطور فیلم «روی علف‌های خشک» شکل گرفت؟ این فیلم بر اساس یادداشت‌ها و دفترچه روزانه همکارم

Ceylan: Kiarostami Changed the Way I See Cinema

Nuri Bilge Ceylan, the prominent Turkish filmmaker, considers Abbas Kiarostami not only an inspiration but also a window into the world of cinema that transformed his perspective. Ceylan says that watching Kiarostami's films felt like seeing his own country, as Iran and Turkey share similarities in their people and landscapes. He emphasizes that Kiarostami approaches the lives of ordinary people with deep compassion and empathy, introducing a fresh cinematic language that has shaped Ceylan's own aesthetic path. Ceylan is one of the pioneers of "slow cinema," a style that, instead of fast-paced Hollywood editing and constant suspense, adopts a deliberate rhythm, open frames, and long takes, inviting viewers to focus on the nuances of life and philosophical questions about existence. He believes cinema should explore the gap between real life and the reality presented on screen, creating a reflective experience for the audience. Ceylan shifted from engineering to cinema, influenced heavily by Russian literature, especially Dostoevsky and Chekhov, which helped shape his narrative style and visual aesthetics. In his films, such as Winter Sleep and Across the Hill, he favors silence and subtle details over extensive dialogue, believing that truth lies in the unspoken aspects of life. He regards boredom as an artistic tool, suggesting that new insights and understanding often arise from moments of ennui. Ceylan also reflects on nature; although he has little direct connection with it in daily life, natural elements in his films provide the audience with profound emotional experiences. He sees cinema as a journey where time, silence, and attention to detail allow the viewer to uncover truth and demonstrate, as Kiarostami taught him, that even the simplest things can be transformed into cinema.

عباس کیارستمی در میان سینماگران برایم متفاوت بود، چون دنیای فرهنگی فیلم‌هایش از دنیای من دور نبود. فیلم‌های او به من فهماند که هر چیز ساده‌ای می‌تواند تبدیل به سینما شود و این کشف بزرگی بود. و فکر می‌کنم در چشم‌انداز هم شباهتی وجود دارد

آکین آکسو ساخته شد که طی خدمت اجتماعی‌اش در شرق ترکیه نوشته بود. ابتدا زیاد جذب نکرد، اما با گذشت زمان جزئیات شگفت‌انگیز طبیعت انسانی در آن را دیدم و تصمیم گرفتم این جزئیات را از طریق نویسندگی گسترش دهم و غنی کنم.

❖ آیا بعد از این که فیلمی را تمام کردید بلافاصله بعدی را شروع می‌کنید؟

زمانی که یک فیلم تمام می‌شود، اغلب یک سال نیاز دارم تا به فکر ساخت فیلم بعدی بیفتم. من هیچ‌وقت پروژه‌ای را در کشو نمی‌دارم. وقتی یک فیلم به پایان می‌رسد، فیلم بعدی وجود ندارد الهام به‌طور غیرقابل پیش‌بینی بازمی‌گردد و با این که انگیزه‌ام کم است اما همیشه خود را وادار به ادامه می‌کنم. هر روز به ترک کار فکر می‌کنم، اما نمی‌توانم تصور کنم کار دیگری انجام دهم.

❖ به نظر می‌رسد که ارتباط محکمی با دنیای طبیعت دارید: درختان، حیوانات، آواز پرندگان حضور پررنگی در آثار شما دارند و این قطعاً ریشه در یک ارتباط عمیق دارد.

بله، اما در زندگی واقعی‌ام این ارتباط با طبیعت وجود ندارد. می‌توانم تغییر فصل را در استانبول تنها از روی یک چیز بفهمم؛ می‌توانم درختی را در بیرون پنجره‌ام ببینم که تغییر فصل را بفهمم. یک روز کلی برگ می‌بینم و روز دیگر هیچ برگی نمانده است. پس وقتی به کشوری می‌روم که خیلی دوستش دارم – اما بعد از سه روز ناگهان حسی مثل مرگ به تو دست می‌دهد.

❖ عکاسی از سال‌ها پیش بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر هنری شما بوده است؛ به‌ویژه مجموعه «دنیای پدر من» که هم‌زمان با نمایش خواب زمستانی در نیویورک به نمایش در آمد. چه جایگاهی برای عکاسی در میان پروژه‌های سینمایی‌تان قائل هستید و این خلوت عکاسانه چه نسبتی با جهان فیلم‌های شما دارد؟

عکاسی برای من راهی برای بازگشت به‌نوعی تنهایی خلاقاته است؛ تنهایی‌ای که در سینما تقریباً امکان‌پذیر نیست. وقتی فیلم می‌سازید، با ده‌ها و حتی صدها نفر کار می‌کنید و این گاهی سخت است. اما در عکاسی اتفاق دیگری می‌افتد. همان‌طور که همیشه گفته‌ام، وقتی عکس می‌گیرم یک حس رضایت متفاوت دارم. وقتی عکاسی می‌کنید، مثل خدا هستید. تنها هستید. یک نوع مکاشفه است. این تنهایی و مکاشفه چیزی است که به من اجازه می‌دهد دوباره به همان ریشه‌های احساسی برگردم؛ ریشه‌هایی که بعدها در سینما شکل پیچیده‌تری پیدا می‌کنند. مجموعه «دنیای پدر من» هم از همین

تجربه ناشی شد. عکس‌هایی که در آن نمایشگاه بود – از جمله آن تصویر زمستانی پدرم روی پل گالاتا – همان حس اندوه آرام، سکوت، آسمان سنگین و فضای ناگفتنی را داشتند که در فیلم‌هایم دیده می‌شود.

❖ شما در کشورهای مختلف جهان کارتان را نمایش داده‌اید. آیا واکنش مخاطبان در فرهنگ‌های متفاوت برایتان تغییر می‌کند یا فکر می‌کنید نوعی تجربه مشترک میان تماشاگران وجود دارد؟

تجربه‌ام این بوده که در هر نقطه‌ای جهان، با مخاطبانی مشابه روبه‌رو می‌شوم؛ آدم‌هایی که شاید ظاهر متفاوتی داشته باشند و به زبان‌های مختلفی حرف بزنند، اما به دلایل بسیار شبیه با کارهای من ارتباط برقرار می‌کنند. فکر می‌کنم در هر فرهنگی «آدم‌های خاصی» وجود دارند – افرادی که پرسش‌های مشابهی درباره زندگی می‌پرسند. این در نیویورک با هیچ جای دیگری تغییر نمی‌کند. شما این آدم‌ها را در ایران، در سنگاپور، در همه‌جا می‌بینید. این افراد نوع دیگری از «مملکت» را می‌سازند. از طریق فیلم‌ها، رفقای گرمابه و گلستان خود را پیدا می‌کنید؛ انگار در یک مملکت با شما زندگی می‌کنند.



یادداشت

فرصت بازگشت به سینمای مؤلف



شاهین شجری کهن

حضور فیلم‌ساز سرشناس و صاحب‌سبکی مثل نوری بیلگه جیلان در جشنواره جهانی فیلم فجر از هر زاویه‌ای که تحلیل شود اتفاق مثبتی است و سطح کیفی جشنواره را بالاتر می‌برد. در روزگار ما که اغلب سینماگران بر اساس الگوهای تثبیت‌شده و سلیقه مخاطب عام فیلم می‌سازند کارگردان‌هایی مثل نوری بیلگه جیلان با نگاه و سبک متفاوتشان به سینما تنوع می‌دهند و دریچه‌ای جدید برای تحلیل و تفکر درباره سینما باز می‌کنند.

بسیاری از قواعد و تکنیک‌های سینمایی را که دیگر در جریان اصلی سینمای جهان کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند در آثار همین کارگردان‌های مؤلف و دگراندیش می‌توان سراغ گرفت. سینمای تجاری به‌سرعت قواعد و الگوهای مطلوبش را به فیلم‌سازان و حتی مخاطبان تحمیل می‌کند؛ از نماهای کوتاه و تدوین سریع و کات‌های زیر یک ثانیه تا قالب‌های متغیر و حرکات پیوسته دوربین اما هنوز در آثار فیلم‌سازان شاخصی چون جیلان می‌توان نماهای طولانی و ترکیب‌بندی دقیق کارهای تصویر را دید و از نگرش بصری جدی و پایبندی روایت به اصول کارگردانی و دستور زبان سینما لذت برد.

حضور نوری بیلگه جیلان در ایران فرصتی مناسب است که علاقه‌مندان سینما در حضور این فیلم‌ساز بزرگ به تحلیل و تفسیر سکانس به سکانس فیلم‌هایش بپردازند و نکته‌های دقیق و باارزشی را از شیوه‌های کارگردانی این استاد چیره‌دست بیاموزند. شیوه‌هایی که خود حاصل مطالعه و برداشت از استادان نام‌آوری چون عباس کیارستمی، آکیرا کوروساوا، ترنس مالیک و تارکوفسکی و برگمان و انگلوپولوس هستند و مجموعه‌ای از برترین دست‌مایه‌های دراماتیک و قواعد روایت تصویری چون مواد خام و مصالح اولیه در کارخانه فکر و تخیل و ذوق سینمایی جیلان به تکامل رسیده‌اند و به ترکیبی متوازن و منسجم تبدیل شده‌اند که شناسه‌های امضایی مؤلفشان را بازتاب می‌دهند.

و این جادوی جیلان است که باوجود وام گرفتن از ده‌ها منبع الهام، در نهایت همه‌چیز را از فیلتر ذهن و احساس خودش عبور می‌دهد و سبکی صدپاره و نامنسجم ندارد. با توجه به نزدیکی مفاهیم دراماتیک و تفسیرهای معنایی در سینمای ایران و ترکیه به نظر می‌رسد حضور کارگردان بزرگی چون جیلان این امکان را فراهم می‌کند که دوستداران جدی سینما فارغ از تأثیرهای دامنه‌دار سینمای روز جهان که عموماً الگوهای تجاری و همه‌پسند را تکثیر می‌کند به گونه و سبک متفاوتی از سینما از زاویه تخصصی نزدیک شوند که اتفاقاً برای سینمای ایران هم بیگانه و دور از نیست.

کنه‌ای که باید در نظر گرفته شود این است که آمدن کارگردانی مثل جیلان و برگزاری ورکشاپ‌ها و نشست‌های پرسش و پاسخ نباید به عرصه‌ای برای سلفی گرفتن و بحث‌های حاشیه‌ای تبدیل شود. چه‌بخت‌تر آنکه فقط سینماگران جوان، دانشجویان و فعالان سینمای مستند و کوتاه و تجربی امکان حضور در این جلسات را داشته باشند و از تجربه عملی فیلم‌سازی که زبان و نگاه شخصی خودش را در سینما به تکامل رسانده بهره ببرند.



Music Knows No Borders
Experienced composer Christophe Rezaei, a jury member of the International Competition at the 43rd Fajr International Film Festival, expressed his excitement about participating in the festival. “Many of the films I have scored have been shown at international festivals, but composers themselves rarely have a visible presence or dedicated section. I'm truly happy to be part of the jury this year,” he said. Rezaei emphasized the universal nature of music: “Fortunately, music knows no borders. It is truly a blessing. I am lucky to live in a country with a rich and valuable musical heritage, including a strong European-influenced tradition that I often draw on. However, the main challenge in Iran is the available resources.” He added, “If you compare studios in Europe or the U.S., the recording facilities, the number of musicians, and the quality of orchestras are at a level that is very difficult to replicate here. It's not a lack of potential—we have it—but costs are high. Copyright systems, which are a key source of income for composers, are also missing here.”

خوشبختانه موسیقی مرز نمی‌شناسد

کریستف رضاعی آهنگ‌ساز با سابقه سینمای ایران در گفت‌وگو با «جهان نما» از تجربه داوری در «فجر جهانی» گفت



کریستف رضاعی در بیش از دو دهه فعالیت مداوم و اثرگذار در عرصه موسیقی فیلم، به یکی از چهره‌های شاخص و معتبر این حوزه در سینمای ایران تبدیل شده است؛ رضاعی توانسته در هر اثر، ساختار موسیقایی خود را باز آفرینی کند و هیچ‌گاه در یک قالب ثابت نماند. در کنار این تجربه‌های گسترده، حضور فیلم‌های او در جشنواره‌های بین‌المللی، نگاه رضاعی را فراتر از مرزهای جغرافیایی برده است. همین ویژگی‌ها باعث شده انتخاب او به‌عنوان یکی از داوران جشنواره جهانی فیلم فجر، اتفاقی ارزشمند باشد که بهانه همین گفت‌وگو شد.

❖ اگر موافق باشید از تأثیر جشنواره جهانی فیلم فجر شروع کنیم و اینکه اساساً چنین جشنواره‌ای چطور می‌تواند کارگرد واقعی خود را داشته باشد؟
معمولاً رسالت یک جشنواره بین‌المللی این است که تصویری روشن‌تر و گسترده‌تر از کشوری که میزبان آن است در معرض نگاه جهانی قرار دهد. در مورد جشنواره جهانی فجر هم همین انتظار وجود دارد؛ یعنی اینکه ایران در نگاه سینمای جهان بیشتر و بهتر دیده شود.

❖ برگزاری چنین جشنواره‌ای چقدر می‌تواند در دیده‌شدن سینمای ایران در سطح جهانی مؤثر باشد؟
من شخصاً این شانس را دارم که به‌خاطر نوع کاری که می‌کنم به‌راحتی با افراد مختلف ملاقات دارم و با فضاهای گوناگون آشنا می‌شوم. اما خیلی از جوان‌های سینما که این فرصت را ندارند، از طریق همین جشنواره می‌توانند فیلم‌های مختلف ببینند، با فیلم‌سازان کشورهای دیگر برخورد داشته باشند و تجربه کسب کنند. برای همین، قطعاً وجود چنین جشنواره‌ای برای نسل جوان سینماگر ارزشمند است. در واقع این جشنواره یک پنجره است؛ پنجره‌ای رو به بیرون، رو به جهان. پنجره‌ای که سال‌ها بسته بوده و حالا هر قدر هم کوچک، باز شدنش اتفاق بدی نیست. ما به‌نوعی می‌توانیم بیرون را ببینیم، ببینیم آن طرف چه خبر است، روندهای جهانی چگونه‌اند. همین موضوع می‌تواند در بلندمدت تأثیر داشته باشد.

❖ به‌عنوان آهنگ‌سازی برجسته که کارنامه پرپرابه دارد و آثار تان در جشنواره‌های خارجی حضور داشته، تجربه‌تان از حضور در جشنواره‌های خارج از کشور چگونه بوده است؟

فیلم‌هایی که من آهنگ‌سازی‌شان را انجام داده‌ام در جشنواره‌های مختلف خارجی شرکت کرده‌اند، اما خود آهنگ‌سازها معمولاً حضور پررنگی در جشنواره‌ها ندارند و بخش

خاصی برایشان تعریف نمی‌شود. امسال اما در تیم داوری جشنواره فجر دعوت شدم و از این بابت واقعاً ممنونم و البته خوشحال. البته که من تمام این سال‌ها و دورانی که در سینما فعالیت می‌کنم هیچ‌وقت به دنبال چنین موقعیت‌هایی نبودم؛ اما امسال دوستان لطف داشتند و از من به‌عنوان داور برای قضاوت آثار جشنواره دعوت کردند. واقعیت وقتی دیدم آقای کلاری هم هستند که من سال‌هاست ایشان را می‌شناسم و هم ارادت دارم و هم از اسانید ما هستند، خیلی خوشحال شدم و خوشبختانه تجربه کاملاً مثبتی تاکنون شکل گرفته است. اگر بخواهم صادق باشم، قبل از اینکه دعوت شوم تصورم از جشنواره فضای دیگری بود و فکر نمی‌کردم حضورم بخواهد اتفاق خاصی رقم بزند، اما حالا که در فضای جشنواره قرار گرفتم ذهنیت کاملاً تغییر کرد. امسال وقتی دیدم دعوت شده‌ام و دوستان و اسانید هستند، حس خوبی داشتم. برایم تجربه مهمی بود.

❖ به‌عنوان داوری که در جشنواره امسال آثار متفاوتی از کشورهای مختلف تماشا کردید، آیا تفاوت جذابی میان موسیقی فیلم در ایران و موسیقی فیلم در کشورهای دیگر وجود دارد؟
خوشبختانه موسیقی مرز نمی‌شناسد. این واقعاً نعمت است. من هم این شانس را دارم که در کشوری زندگی می‌کنم که موسیقی قدیمی و ارزشمند خودش را دارد، موسیقی‌ای که بخش اروپایی‌اش هم خیلی قوی است و از آن استفاده زیادی می‌شود. ولی مسئله اصلی ما در ایران بیشتر امکانات است. وقتی به استودیوهای اروپا یا آمریکا نگاه کنید، از نظر امکانات ضبط، از نظر تعداد نوازنده و کیفیت از کسترها در سطحی هستند که اینجا واقعاً خیلی سخت می‌توان مشابهش را داشت. نه اینکه پتانسیل نداشته باشیم، داریم، اما هزینه‌ها بالاست. بخش کیپی‌رایت هم که اساس در آمد آهنگ‌ساز است اینجا وجود ندارد.

❖ حضور در جشنواره جهانی به‌عنوان داور برایتان سخت بود یا جذاب؟

این دومین تجربه داوری من است. خیلی هم جذاب است. بار اول هم خیلی خوب بود که چند سال پیش بود و برای جشنواره فیلم کوتاه داوری کردم. جذابیتش این است که وقتی آدم‌هایی مثل آقای کلاری و بقیه دوستان حضور دارند، باید نتیجه کار حاصل یک گفت‌وگوی جمعی و یک بحث مشترک باشد، که همین تجربه را ارزشمند می‌کند.

سینمای ایران را با مجیدی فرهادی و کیارستمی شناختم



یکی از فیلم‌های به نمایش در آمده در سومین روز برگزاری چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر، «ریورستون» از کشور سریلانکا بود که الیت راتنایک، کارگردان این فیلم پس از نمایش آن در نشست نقد و بررسی با اجرای وحید رونقی حاضر شد. او درباره سابقه حرفه‌ای خود در دنیای سینما گفت: من متولد ۱۹۷۲ هستم دو فیلم بلند را تهیه کردم که در صنعت فیلمسازی سریلانکا جزو افراد شناخته شده هستم فیلم اولم «نیمه دیگر بود» و فیلم دوم «ریورستون»، لوکیشن فیلم دوم در منطقه مرکزی سریلانکا بود. این لوکیشن شبیه زاگرس است منتها با پوشش گیاهی سرسبز تر. وی گفت: جشنواره فجر جزو جشنواره‌های

مطرح است و بعدی می‌دانم کسی که کار بین‌المللی می‌کند آن را نشناسد ولی مجید مجیدی، اصغر فرهادی و کیارستمی باعث آشنایی من با سینمای ایران شد آنها اساتید من هستند و تحت تأثیر آنها هستم خوشحالم جایی آمدم که این کارگردانان در آنجا به دنیا آمدند. وی گفت: فدراسیون جهانی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم، جشنواره فیلم فجر را معتبر می‌داند و دوست داشتم حضور در این رویداد در روزمه کاری من باشد ضمن اینکه دوست داشتم به ایران بیایم. این کارگردان اظهار کرد: فیلم من درباره مسائل سیاسی و عمومی و اجتماعی سریلانکا است که تابوشکن هم بود. درباره فساد پلیس در سریلانکا است.

فیلم اکشن هم می‌تواند شاعرانه باشد

در کارگاه تخصصی «سینمای شاعرانه در یونان» چه گذشت؟



Poetic Cinema Cannot Be Defined by Words

Greek filmmaker and writer Angelos Frantzis, in a workshop titled “Poetic Cinema of Greece,” explained that every viewer interprets poetic cinema differently. He emphasized that cinema combines arts such as music, imagery, and poetry, but poetic cinema cannot be reduced to words. “Poetry is about language and speech, yet poetic cinema is not literal,” Frantzis said. He added that while many assume poetic cinema depicts rural life or slow rhythms, its essence cannot be fully explained through language, highlighting the unique nature of this cinematic form.

در ادامه برگزاری کارگاه‌های تخصصی در چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر، در روز سوم سالن گفت‌وگوی مجموعه سینمایی هنر شهر آفتاب شیراز به کارگاه آنگلوس فرانسیس با موضوع سینمای شاعرانه یونان اختصاص پیدا کرد. این کارگردان در این نشست، به ارائه دیدگاه خود درباره مفهوم «سینمای شاعرانه» پرداخت.

فرم و دگر خلاصه نمی‌شود سینمای شاعرانه را نمی‌شود به چند جمله محدود کرد چون فراتر از ماست و فرازمینی است البته ما را هم شامل می‌شود. چیزی که معنای سینمای شاعرانه صحبت می‌کنیم حضور دارید درباره سینمای شاعرانه و ارتباط سینمای شاعرانه با فیلم‌های خودم است باید بگویم هر کسی درباره سینمای شاعرانه تعبیر خودش را دارد. سینما ترکیبی از هنرهایی همچون موسیقی، تصویر، شعر و ... است. آنچه درباره سینمای شاعرانه وجود دارد این است که شعر یعنی لغت و گویش اما درباره سینمای شاعرانه نمی‌شود این تعبیر را به کار برد چون سینمای شاعرانه لغوی نیست و این تضاد جالبی است که آن را دوست دارم سینمای شاعرانه و شعر با هم تفاوت دارند چون ذات سینمای شاعرانه با لغت و گفتن نیست. وی گفت: معمولاً همه از سینمای شاعرانه و سمبل‌های آن، این ذهنیت را دارند که مولفه آن زندگی روستایی و سرعت ریتیم پایین است اما سینمای شاعرانه را با لغت نمی‌شود توضیح داد. این سینما فقط در

دیده نمی‌شود این تضاد جالب است چون سینما درباره دیدن است. من دستیار پلوس بودم و به‌خاطر دارم زمانی که او دنبال گرفتن صحنه‌ای بود، اصرار داشت دقیقاً آنچه را که در ذهن دارد بگیرد وقتی نمی‌توانست این کار را کند تصویربرداری را تا هفته‌ها به عقب می‌انداخت خیلی وقت‌ها نمی‌فهمیدم چرا این کار را می‌کند. چون این وقفه‌ها در فیلمبرداری هزینه‌بردار است پس او دوست داشت خودش تهیه‌کننده آثارش باشد.

آنگلوس فرانسیس گفت: فیلم در فضای سرد و یخ‌زده سبیری ساخته شده داستان آن هم درباره عشق، اعتماد، شک و دوزاویه نگاه مختلف است. برای من خیلی مهم و سخت بود که این فیلم را در سبیری فیلمبرداری کنم ولی فضای سرد آنجا به سردی رابطه آنها و جدایی بین آنها کمک می‌کرد، آن منطقه برایشان آخر دنیا بود. آن ژانری که به دنبالش بودم تریلر روانشناسانه و درام متفاوتی یکی بود.



عبار داورى

از ترکیب ویژه هیئت داوران بخش‌های مختلف چهل‌وسومین «فجر جهانی» چه می‌دانیم؟

زهره کردلو

چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر این روزها در شیراز در حال برگزاری است؛ جایی که ۱۸ داور ایرانی و بین‌المللی در چهار بخش اصلی، آثار رسیده از آسیا، اروپا و آفریقا را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ترکیب هیئت داوران همواره یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر رویداد فرهنگی و سینمایی است و امسال نیز جشنواره جهانی فیلم فجر با چیدمانی متنوع از داوران تلاش کرده است نگاه‌های گوناگون و جریان‌ساز را کنار هم قرار دهد. جشنواره‌ای که پس از سه سال وقفه، اکنون می‌کوشد هویت جهانی خود را دوباره باز یابد و در نخستین گام از این بازگشت، با دعوت از چهره‌هایی اثرگذار همچون نوری بیلگه جیلان، مسییر تازه‌ای را برای احیای حضور بین‌المللی سینمای ایران آغاز کرده است. در این گزارش با ترکیب هیئت داوران این رویداد جهانی آشنا می‌شویم.

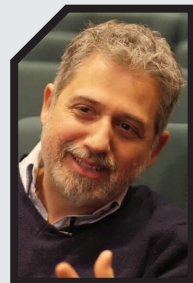
مسابقه بین‌الملل

نوری بیلگه جیلان
فیلمنامه‌نویس، کارگردان، عکاس
ترکیه



نوری بیلگه جیلان، از مهم‌ترین چهره‌های سینمای معاصر، با جهان شاعرانه و واقع‌گرایی خود شناخته می‌شود. او با فیلم‌هایی چون «دوردست»، «سه میمون»، «روزی روزگاری آناتولی» و «خواب زمستانی» جوایز متعدد جشنواره کن را دریافت کرده و یکی از مؤثرترین کارگردانان دو دهه اخیر جهان به شمار می‌رود. آثار جیلان با ریتم تأملی، عمق روان‌شناختی و نگاه انسان‌محورانه‌اش شهرت جهانی یافته‌اند و دعوت او به جشنواره نشانگر تلاش دوره جدید برای حفظ هویت بین‌المللی فیلم فجر است.

آنگلوس فرانتریس
کارگردان
یونان



آنگلوس فرانتریس، کارگردان یونانی تحصیل کرده مؤسسه ملی عالی هنرهای نمایشی بروکسل، در دو دهه گذشته با ساخت هفت فیلم بلند و چند فیلم کوتاه جایگاه مهمی در سینمای هنری اروپا یافته است. آثاری چون «روخانه آرام» و «فتیا» جوایز مهمی از آکادمی سینمای یونان و جشنواره‌های بین‌المللی دریافت کرده‌اند. فیلم‌های او که اغلب به تجربه‌گرایی بصری و جهان شاعرانه‌گرایی دارند در رویدادهایی مانند روتردام، هنگ‌کنگ و ساو پائولو دیده شده‌اند. همکاری او با جشنواره‌ها و فعالیت‌های هنری گسترده‌اش او را به داور معتبر برای بخش بین‌الملل تبدیل کرده است.

کریستف رضاعی
آهنگ‌ساز
ایران

کریستف رضاعی با ساخت موسیقی فیلم برای کارگردانی چون داریوش مهرجویی، مازیار میری و مانی حقیقی یکی از مهم‌ترین آهنگ‌سازان سه دهه اخیر سینمای ایران محسوب می‌شود. آثار ماندگاری همچون «در دنیای تو ساعت چند است؟»، «کنعان» و «ژدها وارد می‌شود» از نمونه‌های شاخص کارنامه او هستند. تسلسط بر پیانو، تجربه کار در ژانرهای مختلف و ترکیب رویکرد احساسی و تکنیکی او را به داور قابل‌اعتماد در حوزه فیلم تبدیل کرده است.

آلکساندرا مار کوویتس
مستندساز و تدوینگر
کرواسی



آلکساندرا مار کوویتس، مستندساز و تدوینگر کرواسیایی، تحصیلات خود را در لندن تکمیل کرده و در سال‌های اخیر چندین مستند کوتاه و نیمه‌بلند را کارگردانی و تدوین کرده است. او علاوه بر عضویت در هیئت داوران انجمن بین‌المللی مستندسازان، در مؤسسه SAE لندن به تدریس پس‌تولید می‌پردازد. ترکیب تجربه عملی و آموزشی او در حوزه مستند، تشخیص دقیق و نگاه تحلیلی‌اش را در داورى تقویت کرده است.

ایگور ویکتروویچ لوشین
شاعر، کارگردان ویدئو و موسیقی‌دان
روسیه



ایگور ویکتروویچ لوشین از چهره‌های فعال هنر معاصر روسیه است که فعالیتش را در دهه ۱۹۸۰ آغاز کرد و انتشارش در مجلات و مجموعه‌های ادبی آمریکا و روسیه منتشر شده است. او با ایجاد گروه «فیک کتز پراجکت» و مدیریت کانال موسیقی تجربی «۸/۷» نقش مهمی در ترویج موسیقی غیرمتعارف داشته. نگاه چندبعدی او به هنر، داورى‌اش را برای آثار خلاق و جسور ارزشمند می‌کند.

محمود کلاری
فیلم‌بردار، عکاس، کارگردان
ایران



محمود کلاری از چهره‌های تأثیرگذار پشت‌صحنه سینمای ایران است که با فیلم‌پردازی آثاری چون «مادر»، «چپه‌های آسمان»، «جدایی نادر از سیمین»، «لیلا» و «بادیگارد» نقش مهمی در شکل‌گیری زیبایی‌شناسی سینمای معاصر داشته. او علاوه بر فیلم‌پردازی، چند فیلم از جمله «تابستان همان سال» را نیز کارگردانی کرده است. کارزما، دقت بصری و استاندارد حرفه‌ای او باعث شده در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گیرد.



خوزه کابرا بتانکورت
برنامه‌ریز فیلم
اسپانیا



خوزه کابرا بتانکورت بیش از دو دهه است که در حوزه برنامه‌ریزی جشنواره‌های بین‌المللی فعالیت می‌کند و تجربه‌ای کم‌نظیر در انتخاب و هدایت برنامه‌های سینمایی دارد. او علاوه بر مدیریت ده‌ساله جشنواره فیلم‌های کوتاه تریفه، سال‌ها برنامه‌ریز جشنواره لاس پالماس بوده و اکنون مسئولیت‌های مهمی در جشنواره‌های و یادولید و بخارست بر عهده دارد. پیشینه تحصیلی او در ارتباطات تصویری و بورسیه‌اش در آکادمی سلطنتی هنرهای اسپانیا در رم، نگاه تخصصی و تحلیل‌محورش را شکل داده است.

بیجایا جنا
کارگردان، بازیگر، تهیه‌کننده
و فیلمنامه‌نویس
هند



بیجایا جنا از چهره‌های شناخته‌شده سینمای هند است که هم در بازیگری و هم کارگردانی آثار موفقى ارائه کرده. او فارغ‌التحصیل مؤسسه فیلم و تلویزیون هند است و با فیلم‌هایی چون «تسارا» و «مقدمه» تحسین منتقدان را برانگیخته. چنادر کنار ایفای نقش در فیلم‌هایی مانند «جاگا بالیا» و «هولی»، سابقه داورى در جشنواره‌های مهم هند از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم کلکتا را دارد. تجربه گسترده او تنوع این دوره جشنواره را تقویت می‌کند.

سمیره حاج جیلانی
تهیه‌کننده و مدیر فرهنگی
الجزایر



سمیره حاج جیلانی، از مدیران فرهنگی برجسته الجزایر، فعالیت گسترده‌ای در حوزه تولید فیلم و رسانه داشته و سابقه مدیریت نخستین شبکه خصوصی تلویزیونی این کشور را در کارنامه دارد. او با تأسیس شبکه زنان کارآفرین الجزایر و نقش‌آفرینی در شبکه زنان بهر مغرب تلاش‌های مهمی در توانمندسازی زنان انجام داده است. همکاری او در تولید بین‌المللی «احمد باى» و مدیریت پروژه‌های فرهنگی، جایگاهی ویژه برای او در داورى جشنواره ایجاد کرده است.



شوشانیک میرزاخانیان
تهیه‌کننده و مدیر سینمایی
ارمنستان



شوشانیک میرزاخانیان از چهره‌های سابقه سینمای ارمنستان است که سال‌ها مدیریت تولید و برنامه‌ریزی در استودیوهای «های‌فیلم» و «هایک» را بر عهده داشته. او از سال ۲۰۰۹ مدیریت استودیو مستندهای هایک را ادامه داده و نقش مهمی در شکل‌گیری جریان مستند ارمنستان داشته است. فعالیت او در تدریس اقتصاد سینما اهمیت حضورش را در داورى این بخش دوچندان می‌کند.

هدی زین‌العابدین
بازیگر
ایران



هدی زین‌العابدین طی سال‌های اخیر با نقش‌آفرینی در آثاری مانند «عرق سرد»، «جاده قدیم» و «اسرافیل» توانایی‌های خود را در نقش‌های متفاوت نشان داده است. او برای بازی در سریال «در انتهای شب» جایزه جشنواره النسیار را دریافت کرد. همکاری با کارگردانی چون کمال تبریزی، پرویز شهبازی و وحید موسائیان، مسیر حرفه‌ای او را تثبیت کرده است.

Judging at Its Best

The 43rd Fajr International Film Festival is currently taking place in Shiraz, where 18 Iranian and international jurors are evaluating 46 films from Asia, Europe, and Africa across four main sections including International Competition, Eastern Vista, Future Frame, and The Broken Olive. The composition of a festival jury is always one of the most important aspects of any cultural and cinematic event. This year, FIFF has assembled a diverse jury to bring together multiple perspectives and influential voices. After a three-year pause, the festival is striving to reclaim its global identity, beginning with the inclusion of renowned figures such as renowned Turkish Nuri Bilge Ceylan. The credibility and expertise of the jurors directly impact the evaluation process, and the 43rd FIFF has strengthened its international standing by leveraging this distinguished jury.

زیتون شکسته

Broken Olive



محمد الکندی
فیلمساز و
تهیه‌کننده
عمان

محمد الکندی با ساخت فیلم‌هایی مانند «گنج عمان» و «قدم‌های ناشناس» و حضور در دهه‌ها جشنواره جهانی به چهره‌ای تأثیرگذار در سینمای عمان تبدیل شده است. او علاوه بر داورى در جشنواره‌های عربی و آسیایی، بنیان‌گذار چند جشنواره مهم در عمان است. الکندی با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و منتورینگ فیلمسازان جوان، نقش بنیادینی در توسعه سینمای کشورش دارد.



نویشا یووانوویک
کارگردان
تهیه‌کننده
و
مقدونیه شمالی



نویشا یووانوویک با کارگردانی فیلم‌های کوتاهی چون «گیلاس نارس» که در جشنواره‌های معتبر اروپا نمایش یافته، جایگاهی قابل توجه در سینمای مقدونیه به‌دست آورده است. او بنیان‌گذار جشنواره بین‌المللی «کینتوا» و مؤسس اولین جشنواره فیلم یونان در اسکوپیه است که نقش مهمی در گسترش تبادلات فرهنگی منطقه دارد. ترکیب تجربه تولید، مدیریت جشنواره و نگاه اجتماعی، داورى او را ارزشمند کرده است.



فرزاد مؤتمن
کارگردان و
تهیه‌کننده
ایران

فرزاد مؤتمن با فیلم «شب‌های روشن» به‌عنوان یکی از نخستین نمونه‌های سینمای شاعرانه ایران شناخته شد. او در آثاری چون «خدا حافظی طولانی»، «شبیگرد» و «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» توانایی خود را در خلق جهان‌های داستانی متفاوت نشان داده است. نامزدی‌های متعدد از جشنواره فیلم فجر و تجربه در کارگردانی و تولید، جایگاه او را در میان فیلمسازان تأثیرگذار تثبیت کرده و حضورش در این هیئت داوران اهمیت ویژه‌ای دارد.

جلوه‌گاه شرق Eastern Vista



مهدی کرم‌پور
فیلمنامه‌نویس و
کارگردان
ایران

مهدی کرم‌پور با ساخت فیلم‌هایی مانند «جایی دیگر»، «چه کسی امیر را کشت؟»، «پل چوبی» و «سوفی و دیوانه» یکی از چهره‌های تأثیرگذار سینمای ایران است. او علاوه بر ساخت فیلم‌های داستانی و مستند، سابقه تدریس در UCLA، USC و دانشگاه سوره را دارد. دریافت جوایز متعدد از جشنواره‌های بین‌المللی و فعالیت صنعتی گسترده در خانه سینما، تجربه او را به سرمایه‌ای ارزشمند برای داورى بخش چشم‌انداز تبدیل کرده است.



جهان

43RD FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

سرمدیر: وحید سعیدی

دیر تحریریه: محمد صابری

مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی

دیر اجرایی: لیلی باقری

زیر نظر: روابط عمومی جشنواره جهانی فجر

زینب کاظم خواه

عکس: مهدی حسنی

طاهره رخ بخش، امیر صادقان و شیوا عطاران

با سپاس ویژه از: آنتونیا شرکا، کریستف رضای

و شاهین شجری کهن

تحریریه: زهره کردلو، نژلا پیکانیان

زهره منصوری

بخش بین الملل: علی افتخاری

صفحه آرایی: مبینا خدایاری

ویرایش و تصحیح: مهری فدایی مقدم

نشریه روزانه چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر
DAILY BULLETIN OF THE 43RD FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

شماره چهارم - یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴

قالب

۱۲

